

خبر

حکم قصاص قاتل سریالی زنان در قزوین اجرا شد

گروه حوادث: حکم قصاص قاتل سریالی زنان قزوین صبح دیروز در زندان این شهر اجرا شد. «مهین» که نخستین قاتل زن سریالی در ایران بود در سال‌های ۸۷ و ۸۸ پنج زن را در قزوین به قتل رساند و طلا و جواهرات‌شان را سرقت کرد تا بتواند بدهی‌هایش را بپردازد. او دو سال قبل از این جنایات پیرمردی را که صاحبخانه‌اش بود نیز به قتل رسانده اما توانسته بود خودش را از این اتهام تبرئه کند. مهین که دو دختر ۷ و ۱۷ساله دارد و فرزند کوچکش معلول است صبح دیروز بعد از انتقال پای چوبه دار با خواهش و التماس از اولیای دم مقتولان خواست وی را ببخشند. او گفت: «من نمی‌خواهم مرا به خاطر خودم ببخشید بلکه از شما خواهش می‌کنم به خاطر بچه‌هایم از اعدام من صرف‌نظر کنید.» خانواده مقتولان این خواسته مهین را قبول نکردند و حکم حدود ساعت ۶ صبح اجرا شد. اکنون یک قاتل سریالی دیگر نیز در قزوین در زندان به سر می‌برد و منتظر اجرای حکم اعدام است. این قاتل که مردی ۳۶ساله به نام مهدی است تحت تأثیر شیوه جنایات مهین از ۱۶ اردیبهشت پارسال شروع به آدم‌کشی کرد. او زنان مسن را سوار مینی‌بوس فیات خودش می‌کرد و آنان را به قتل می‌رساند. قرار است مهدی نیز بعد از طی مراحل قانونی حکم به دار آویخته شود.

کشته شدن ۲۸ نفر در پی انفجار خط لوله انتقال نفت در مکزیک

گروه حوادث: مقامات رسمی مکزیک از کشته شدن ۲۸ تن در پی انفجبار خط لوله انتقال نفت در مرکز این کشور خبر دادند. به گزارش رویترز، «والتین منس» یکی از مقامات ایالت «پوئبلا» در مکزیک در این‌باره گفت: در پی وقوع انفجار در خطوط لوله انتقال نفت در شهر «سن‌مارتین تکس ملوکا» در این ایالت که ساعت شش صبح دیروز به وقت محلی رخ داد، تاکنون ۲۸ تن به دلیل استنشاق دود و سوختگی جان خود را از دست داده‌اند و در میان قربانیان ۱۲ کودک هم دیده می‌شود. همچنین وقوع این انفجار باعث شد اکثر خودروها، منازل و درختان نزدیک به لوله انتقال نفت به طور کامل در آتش بسوزند. این مقام مسوول ایالت «پوئبلا» در ادامه خاطر‌نشان کرد: خیابان‌های منتهی به این محل حادثه در نفت غوطه‌ور بودند و تا ساعات‌ها عبور و مرور در منطقه ممنوع بود. خوان خوزه سوارز رئیس خطوط انتقال نفت «پمکس» مکزیک نیز اعلام کرد هنوز علت اصلی وقوع انفجار در این خط لوله انتقال نفت مشخص نشده است. این مقام مسوول خاطر‌نشان کرد: کارشناسان خط لوله «پمکس» احتمال می‌دهند برداشت‌های غیراصولی و غیرقانونی در سال جاری باعث تخریب خط انتقال و انفجار شده باشد. با این حال، تحقیقات در این رابطه ادامه دارد. بنابر این گزارش علاوه بر کشته‌شدگان، ۵۱ تن نیز در این حادثه مجروح شدند.



فیلمی از:

مونا زندی حقیقی

عصر جمعه

رویا نونهالی

هانیه توسلی

مهرداد صدیقیان

- سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول از بیست و چهارمین جشنواره فیلم فجر
- سیمرغ بلورین و جایزه ویژه هیئت داروان به عنوان فیلم برگزیده از بیست و چهارمین جشنواره فیلم فجر
- جایزه ویژه (اسکندر نقره ای) داوران جشنواره تسالونیکي
- جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره کلن
- جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره آسیایی وژول
- جایزه تماشاگران جشنواره شیکاگو
- فیلم برگزیده موزه سینما در سال ۱۳۸۲
- کاندیدای ۹ جایزه از بیست و چهارمین جشنواره فیلم فجر

- فیلمنامه: فرید مصطفوی ، مدیر فیلمبرداری: حسین جعفریان
- تدوین: سیده عبدالوهاب ، صدا: بهروز معاونیان
- طراح صحنه و لباس: ژیلما مهرجویی ، چهره پردازی: مهرداد میرکیانی
- محصول: سازمان سینمایی ۷۹

تلاش‌های مرد متهم به قتل برای فرار از اتهام دو جنایت

متهم در دادگاه یکی از دوستان و شوهرخواهرش را به عنوان دو قاتل اصلی معرفی کرد



حاضر شد و گفت: من ۱۶ساله بودم که مادرم از پدرم جدا شد و با مرد دیگری ازدواج کرد و شهرام حاصل این ازدواج بود. وقتی شهرام دوساله بود پدرش از مادرم جدا شد و شهرام را مادرم بزرگ می‌کرد اما مادرم هم فوت شد. من دنبال زندگی خودم بودم و از برادر ناتنی‌ام خبری نداشتم، نمی‌دانستم شهرام کیجاست و چه می‌کند، البته خواهران و برادران دیگرم از او حمایت می‌کردند و او تا مدت‌ها در خانه برادر کوچکم زندگی می‌کرد و حتی خواهرم برایش ماشین هم خریده بود. پنج سال قبل از آن حادثه شهرام خانه برادرم را ترک کرده و رفته بود. از آنجایی که اولیای دم مقتول دیگر پرونده در دادگاه حاضر نبودند در ادامه جلسه محاکمه محمد متهم مدعی شد که بالای سر جسد در جایگاه حاضر شد. وی گفت: اتهاماتم را قبول ندارم و من هیچ کدام از این قتل‌ها را انجام نداده‌ام. وی در مورد شهرام گفت: روز اول فروردین سال ۸۶ بود که من داشتم جلوی در خانه خودروام را تعمیر می‌کردم، مجتبی یکی از دوستانم



با شهرام به خانه ما آمد. من اصلاً شهرام را نمی‌شناختم و مجتبی گفت می‌خواهد او را با من آشنا کند. من آنها را به خانه بردم و مجتبی به من گفت به کارت برس و بعد بید من هم از خانه بیرون رفتم. وقتی دوباره به منزل برگشتم، دیدم شهرام کشته شده است. از مجتبی درباره دلیل این کارش پرسیدم و او گفت به خاطر اختلافاتی که با هم داشتند دست به این قتل زده است. مجتبی سابقه‌دار بود و می‌رسید دوباره دستگیر شود و اگر او بازداشت می‌شد من هم گیر می‌افتادم، چه من را به اینجا آوردی. من یک بار تا پای قصاص رفته‌ام و مجتبی در آنجا جسد را آتش زد. لباس‌هایی را هم که بالای سر جسد پیدا شد من آنجا گذاشته بودم چون خونی بودند، نمی‌خواستم آنها را به خانه برگردانم. در این هنگام قاضی از متهم سؤال کرد چرا از اول اسم مجتبی را نیاورده بود و اکنون این مرد کیاست که محمد در پاسخ گفت: مجتبی تحت تعقیب بود و اگر من قبلاً درباره قاتل بودن او حرفی می‌زدم او خودش

مرد کلاهبردار مدارک تحصیلی جعلی می‌فروخت

در بازجویی ارتکاب هر گونه جرمی را انکار کرد و گفت او فقط واسطه آشنایی دو دوستش با یکدیگر بوده است. ماموران در ادامه تخصص‌ها، مخفیگاه «فشین» را در مارلیک شناسایی کردند و با انجام هماهنگی‌های لازم با مرجع قضایی به بازرسی از آن محل پرداختند و موفق شدند تعدادی مدرک تحصیلی جعلی کشف و ضبط کنند. سپس افشین تحت بازجویی قرار گرفت و در اعترافاش گفت پس از شناسایی متقاضیان و دریافت مدارک هویتی و مبالغ موردنظر از آنها مدارک و

تلاش‌های مرد متهم به قتل برای فرار از اتهام دو جنایت

متهم در دادگاه یکی از دوستان و شوهرخواهرش را به عنوان دو قاتل اصلی معرفی کرد

را مخفی می‌کرد و من دیگر دستم به جایی بند نبود. وقتی زندانی شدم و مجتبی به خاطر قتلی دیگر بازداشت شد و هر دو در یک بند بودیم من نامه‌ای به اداره آگاهی نوشتم و خواستم او را بازجویی کنند اما کسی به نامه‌ام توجهی نکرد و چند ماه بعد مجتبی در درگیری‌ای در زندان به قتل رسید. این مرد درباره قتل غلام گفت: قاتل غلام من نبودم، شوهر خواهرم امیر بود. او هشت کیلو حشیش به من فروخته بود و من هم آن را به غلام داده بودم ولی غلام پولش را نمی‌داد. امیر به من فشار می‌آورد. آن شب غلام گفت می‌خواهد ماشین را بفروشد و پولش را بدهد اما نتوانستم ماشین را بفروشم و با هم به خانه من رفتم. امیر هم آمد. او درگیری ایجاد کرد. من آنها را آرام کردم و بعد قرار شد خودرو را به امیر بدهیم. وقتی درگیری تمام شد من رفته شام بخرم. وقتی برگشتم، دیدم امیر غلام را کشته است. از آنجایی که امیر یک بار دست به قتل زده و من قصاص محکوم شده ولی توانسته بود رضایت بگیرد از من خواست سکوت کنم. او شوهر خواهر من بود. اگر من حرفی می‌زدم خواهرم بیچاره می‌شد. در ادامه جلسه دادگاه امیر که به عنوان مطلع در دادگاه حاضر بود در برابر قضاات قرار گرفت. او گفت: هیچ کدام از حرف‌های محمد درست نیست. قبول دارم که من قصاصی ندادم و در یک نزاع مرتکب قتل شده بودم اما رضایت گرفتم و بیرون آمدم. آن روز برای اینکه یک میلیون تومان پول به محمد داده بودم به خانه‌اش رفتم. و از او خواستم پولم را پس بدهد. او پژویی را در خانه‌اش به من نشان داد و گفت این ماشین را جای طلیش برداشته است. سوئیچ و کارت را به عنوان گرو به من داد و قرار شد تا روز بعد پولم را بپردازد. فردای آن روز وقتی به خانه محمد رفتم جسد را دیدم. به او اعتراض کردم و گفتم برای چه من را به اینجا آوردی. من یک بار تا پای قصاص رفته‌ام و مجتبی مرا بدبخت کنی. وی ادامه داد: محمد در مورد قتل مردی به نام شهرام هم چیزی‌هایی به من گفته بود. او می‌گفت از آنجایی که شهرام عکس همسرش را از خانه‌اش درزیده او را به قتل رسانده است. بنابر این گزارش در ادامه با توجه به اینکه اولیای دم دو مقتول در دادگاه حاضر نبودند ادامه رسیدگی به پرونده به آینده موکول شد.

مبلعی از پول‌ها را تحویل شخصی به نام «شاهین» می‌دادم و او کار جعل را انجام می‌داد. افشین در ادامه بازجویی‌ها اعتراف کرد برای تهیه مدارک تحصیلی از جمله دیپلم و پایان دوره راهنمایی به ترتیب ۷۰۰ هزار و ۵۰۰ هزار تومان به شاهین پرداخت می‌کرده است کار آگاهان یک یک کام دیگر به جاعل اصلی نزدیک شده بودند، مخفیگاه شاهین را در فروردین کرج شناسایی و او را دستگیر کردند. در بررسی سوابق شاهین مشخص شد وی در زمینه جعل مدارک تحصیلی دارای سابقه است. او این بار هم در بازجویی‌ها جرمش را قبول کرد و به مرجع قضایی معرفی شد تا به اتهامش رسیدگی شود.

ترند عجیب مامور قلابی برای سرقت مسلحانه خودرو

اطلاعات موجود از داود نشان داد او ساکن شهرستان شهریار است. در حالی که مأموران در حال اعزام به شهریار برای شناسایی مخفیگاه متهم بودند، شاکي به پلیس آگاهی رفت و گفت فرد ناشناسی با او تماس گرفته و مدعی شده خودرواش را در اطراف شهریار دیده است. او گفت فرد ناشناس مدعی شده شخصی مزدا را در حوالی آنجا پنهان کرده است. به دنبال این خبر کار آگاهان حتم پیدا کردند داود سارق خودرو شاکي است، به این ترتیب تحقیقات میدانی برای یافتن متهم در شهریار آغاز شد. چند ساعت تحقیق در شهریار و اطراف آنجا کافی بود تا ماموران مخفیگاه داود را شناسایی کنند. هنگامی که ماموران برای دستگیری داود وارد آنجا شدند او در آنجا نبود اما یکی از دوستانش بازداشت شد. بازجویی از این فرد به شناسایی محل اختفای خودرو سرقتی انجامید و مزدا به تهران منتقل شد. این پایان کار نبود و تجسس‌ها در این باره ادامه یافت تا اینکه چند روز بعد داود در خیابان شناسایی و طی عملیاتی ویژه دستگیر شد. مرد دستگیرشده ابتدا اتهام سرقت مسلحانه را منکر شد اما با ادامه یافتن بازجویی‌ها و روبرایی با شاکي راهی جز بیان واقعیت نداشت. در جریان بازجویی‌ها از داود او گفت نقشه این سرقت را از قبیل طراحی کرده بود. او گفت: چون دیدم زن جوان تنهاست فرصت را برای سرقت خودرواش مناسب دیدم و با ظاهرسازی مدعی شدم مامور هشتم و یک سارق را تعقیب می‌کنم. با وجود آنکه زن جوان با خواسته‌تام مخالفت کرد اما من با تهدید سلاح پشت فرمان نشستم متهم همچنین درباره سلاحی که از آن در این سرقت استفاده کرده بود، گفت: کلت من قلابی بود و از آن فقط برای ترساندن طعمه‌ام استفاده کردم و بعد از سرقت خودرو آن را دو ر انداختم. سرهنگ حمیدرضا یاراحمدی جانشین پلیس آگاهی تهران با تأیید این خبر گفت:با توجه‌به‌احتمال انجام سرقت‌های دیگر توسط متهم دستگیرشده تحقیقات همه‌جانبه‌ای برای کشف سلاح، مهمات و همچنین سایر سرقت‌ها و جرائم احتمالی متهم ادامه دارد.

این کلاهبردار فراری را شناسایی کنید

میلیون تومانی را از فردی به نام حمیدرضا گرفتیم و بعد از وصول یکصد میلیون تومانی از مردم آشنایی چندانی با حمیدرضا ندارم و از مخفیگاه او اطلاعی ندارم. در پی این اظهارات به کمک مسعود تصویر فرضی حمیدرضا ترسیم شد. در ادامه این تصویر به تصاویر تبهکاران سابقه‌دار در بانک اطلاعاتی پلیس مطابقت داده شد و اطلاعات بیشتری درباره مرت تحت تعقیب به دست آمد. بررسی سوابق متهم نشان می‌داد

او از مجرمان سابقه‌دار پلیس آگاهی است و پیش از این بارها توسط ماموران اداره چهاردهم مبارزه با کلاهبرداری دستگیر و زندانی شده است. به دست آمدن اطلاعات بیشتر از حمیدرضا مأموران تلاش‌های خود را برای یافتن مخفیگاه او در جنوب تهران آغاز کردند. تجسس‌ها حاکی از آن بود که حمیدرضا بعد از دریافت تسهیلات بانکی به مکان نامعلومی رفته است و هیچ کس از مخفیگاه و اطلاعاتی ندارد. سرهنگ فریدون رهبریان معاون مبارزه با جرائم خاص و رایانه‌ای پلیس آگاهی تهران از صدور مجوز انتشار تصویر بدون پوشش وی خبر داد و گفت: از شهروندانی که اطلاعاتی از متهم در اختیار دارند درخواست می‌شود اطلاعات خود را در اختیار کار آگاهان پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دهند.



حادثه‌ها

یک آسیب‌شناس اجتماعی متذکر شد **نقش بافت‌های فرسوده شهری در جرم زورگیری**
یک آسیب‌شناس اجتماعی با تأکید بر ضرورت اصلاح برخی از مناطق دارای بافت شهری جرم‌خیز گفت: مردم در صورت مواجهه با جرائمی مانند زورگیری باید به صورت آگاهانه با آن برخورد کنند.
امان‌الله قرائی‌مقدم در گفتو گو با ایسنا، با بیان اینکه برخی از مناطق شهر از نظر بافت شهری، جرم‌خیز هستند، افزود: در محل‌های که امکان تردد و وسایط نقلیه وجود ندارد و وقوع جرائمی همچون زورگیری بیشتر رخ می‌دهد. وی بافت‌های فرسوده شهری را مستعد وقوع جرائمی همچون زورگیری دانست و افزود: عوامل اقتصادی همچون بیکاری و کم‌رتگ شدن اعتقادات دینی از جمله عواملی هستند که در وقوع چنین جرائمی تأثیرگذارند. وی ادامه داد: درد زورگیر برای برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی خود امنیتی‌ش را به خطر می‌اندازد و اقدام به زورگیری می‌کند که ارتکاب این جرم تأثیرات منفی در زمینه‌های اقتصادی، روانی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در پی دارد. این آسیب‌شناس خاطر‌نشان کرد: وقوع جرائم زورگیری از جمله جرائمی است که امنیت جامعه را از بین می‌برد و منجر به کاهش بازدهی اقتصادی می‌شود، این در حالی است که تأثیرات منفی نیز در زمینه فرهنگی بر جای می‌گذارد. وی تعامل بین پلیس و مردم را در کاهش این گونه جرائم تأثیرگذار دانست و افزود: مردم در صورت مواجهه با چنین جرائمی باید به صورت آگاهانه با آن برخورد کنند. قرائی‌مقدم افزود: بین پلیس و مردم باید ارتباط مطلوبی وجود داشته باشد، به طوری که قربانیان ترسی از گزارش این موضوعات به پلیس نداشته باشند. وی برخورد‌های موثر با مجرمان را در کاهش این گونه جرائم موثر دانست و افزود: متأسفانه در برخی از موارد دیده شده است زورگیران بلافاصله پس از دستگیری مجدداً به جامعه بازمی‌گردند. به گفته این آسیب‌شناس پایین آوردن خط فقر، ایجاد اشتغال و بالا بردن ارزش‌های فرهنگی در کاهش زورگیری تأثیرگذار است.

تأیید حکم قصاص یک متهم به قتل در نوجوانی

گروه حوادث: حکم قصاص متهم به قتل که در نوجوانی در یک نزاع مرتکب قتل شده بود از سوی دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفت. به گزارش خبرنگار ما، صابر سه سالل قبل به جرم قتل جوانی در یک نزاع دسته‌جمعی از سوی اکثریت قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به قصاص محکوم شد. آن زمان دو تن از پنج قاضی صادرکننده رای که نظر اقلیت را داشتند در رای خود آوردند صابر زمان قتل بلوغ فکری نداشت، بنابراین باید به پرداخت دیه محکوم شود. در نهایت پرونده با توجه به نظر سه قاضی با حکم قصاص متهم به دیوان عالی کشور ارجاع شد. و دیوان نیز رای را تأیید کرد اما هنگام استبدان آیت‌الله شاهرودی رئیس وقت قوه قضائیه رای قضات اقلیت را پذیرفت و حکم قصاص را نقض کرد و خواستار رسیدگی مجدد به این پرونده شد. وی در اظهارنظر خود آورده بود: از آنجایی که بلوغ در شرح به گناه قضایی، جسمی و جنسی است، عقیده قضاتی که نظیر اقلیت را داده‌اند باید مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین پرونده برای رسیدگی مجدد به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و این بار شعبه ۷۴ مسوول رسیدگی به آن شد. صابر بعد از محاکمه مجدد در دادگاه بار دیگر به قصاص محکوم شد و دفاعیات او و وکیل‌مدافعش در مورد اینکه صابر زمان قتل به بلوغ فکری نرسیده بود کارساز نشد. رای صادره دوباره در دیوان عالی کشور مورد بررسی قرار گرفت و به تأیید رسید. اکنون پرونده صابر برای گذراندن آخرین مرحله نزد آیت‌الله ام‌لی،اربعانی رئیس قوه قضائیه فرستاده شد است.

رئیس پلیس راه همدان عاملان جنایت خیابانی را به دام انداخت

رئیس پلیس راه استان همدان که به طور اتفاقی شاهد یک جنایت در جریان نزاعی خیابانی بود وارد عمل شد و متهمان به قتل را دستگیر کرد. به گزارش ایسنا، ساعت ۱۶:۵۲ روز یکشنبه سرهنگ جاویدان رئیس پلیس راه استان همدان میدان بار همدان، مشاهده کرد چند تن جاقو به دست با هم درگیر شده‌اند. در این هنگام رئیس پلیس راه استان همدان که از مأموریت اداری برمی‌گشت، ضمن گزارش دادن موضوع به پلیس انتظامی وارد صحنه شد و اقدام به دستگیری متهمانی کرد که جوانی را به قتل رسانده بودند. این مقام انتظامی و راننده‌اش در جریان دستگیری متهمان، توسط آنها به وسیله جاقو مضروب شدند اما توانستند متهمان را بازداشت کنند. با دستگیری متهمان، راز قتل جوانی ۳۰ساله به نام رسول که ۲۶ آذرماه در منطقه‌ای در حاشیه شهر همدان به قتل رسیده بود نیز فاش و معلوم شد رسول در حاشیه شهر همدان به وسیله جاقویی که ناصر (یکی از دستگیرشدگان) از ناحیه پشت به وی وارد کرده بود، به قتل رسیده است. متهم در اعترافات ضمن پذیرش قتل، علت درگیری خونین را خصومت شخصی بیان کرد. تحقیقات تکمیلی پلیس در این پرونده همچنان ادامه دارد. همچنین مشخص شد متهم دیگر کاظم که برادر ناصر است مدتی به اتهام قتل در زندان به سر برده و پس از جلب رضایت اولیای دم از زندان آزاد شده بود.

کشف ۱۲۰۰ سکه تقلبی در کیسه برنج

گروه حوادث: مأموران پلیس استان اصفهان در بازرسی از یک خودرو سواری بیش از یک هزار و ۲۰۰ عدد سکه تقلبی قدیمی را از داخل کیسه برنج کشف و ضبط کردند. سرهنگ «غلامعباس بلفک» فرمانده انتظامی شهرستان تیران وکرون استان اصفهان با اعلام این خبر توضیح داد: «مأموران یگان امداد حین گشت‌زنی در سطح حوزه استخفافاتی خود به یک دستگاه خودرو سواری مشکوک شدند و آن را متوقف کردند. وی افزود: در بازرسی از این خودرو تعداد یک هزار و ۲۳۸ عدد سکه تقلبی قدیمی که در یک کیسه برنج و در زیر مخزن گاز خودرو تصاریج شده بود کشف و ضبط شد. این مقام مسوول تصریح کرد: در این رابطه راننده و سرنشین این خودرو دستگیر شدند و اقرار کردند سکه‌ها را به مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال خریداری کرده بودند اما با مشخص شدن تقلبی بودن آنها قصد بازگرداندن آنها را داشتند. سرهنگ بلفک» در پایان خاطر‌نشان کرد: متهمان به همراه پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شدند.